

خاطره بازی با روزهای کرونایی

به بهانه سالگرد شناسایی اولین بیمار کووید ۱۹ در جهان، به یادآوری روزهایی که در این همه گیری سپری کردیم و اتفاقات عجیبی که به چشم دیدیم، پر داخته ایم



علیرضا کاردار | روزنامه نگار

پرونده

هشتم دسامبر ۲۰۱۹، به روایتی اولین روزی است که ویروس کرونا در شهر ووهان کشور چین شناسایی شد. البته بعد از مدتی مشخص شد که این بیماری چه بوده و از کجا شروع شده است. سه

ماه بعد در ۱۱ مارس، سازمان جهانی بهداشت شیوع این بیماری را در دنیا اعلام کرد و در ۵ مه ۲۰۲۳ اعلام شد که کووید ۱۹ به اتمام رسیده است. در این ۴-۳ سال چه بر سر دنیا و مردمانش گذشت. روزهای تلخی که یکی از نقاط عطف تاریخ بشریت بود. از یک سو ترس و دلواپسی و غم این همه گیری که بر جان مردم افتاده بود، از یک طرف امید به اکتشافات و اختراعات دانشمندان و پزشکان و از سمت دیگر هم بهت و حیرت از این که با چشمان خود داریم یکی از دوره های عجیب و ماندگار تاریخ جهان را می بینیم و با گوشت و پوست تجربه می کنیم. یادآوری دوران همه گیری کرونا خوشایند نیست، چه برای ما که جان سالم به در بردیم و چند برابر برای آن هایی که در گوران این بیماری و حشتناک، عزیز یا عزیزانی را از دست دادند، بیکار شدند و شاید بعد از ابتلا هنوز در گیر عوارض هستند. کرونا فوایدی هم داشت، از این که به دست شستن و شستن خریدهای خانه عادت کردیم و یاد گرفتیم هنگام بیماری ماسک بزنیم. در این پرونده می خواهیم بادی کنیم از روزهای کرونایی که پشت سر گذاشتیم. از اضطراب هایمان، آرزوهایمان، تغییراتی که در اخلاق و رفتارمان به وجود آمد، دعاهايمان به درگاه خدا برای ریشه کنی این بیماری، بهبود عزیزان و زنده ماندن مان و از خاطرات جالب و خنده داری که به بهانه این ویروس فلان فلان شده، برای خودمان و اطرافیان ساختیم. پس این پرونده را با حال خوب بخوانید و خدا را شکر کنیم که از موج کشت و کشتار کرونا قسر در رفتیم!



در زندگی سلام امروز بخوانیم:

چرا غذا از گلویم پایین نمی رود؟! ۲

اشتباهات سریالی در اجاره خانواده برای ازدواج پنهانی

بهمیانه پربازدید شدن گزارش از موسساتی که خانواده اجاره می دهند و برخی مردها برای ازدواج مجدد پنهانی به آن ها مراجعه می کنند از دلایل و عواقب چنین تصمیم هایی گفتیم

۳ توصیه برای رهایی از بی خوابی شبانه ۳

طنز | دست نزن، جیزه! ۴

قرنطینه های الکی

شده اند. یا ساکنان یک جزیره مترو که که کلاغ هم به آن جانی رود، بیمار شده اند. معلوم نبود این ویروس لعنتی چطور این قدر قوی شده بود که داشت نسل بشر را از بین می برد.



قرنطینه هم یکی دیگر از یادگاری های آن روزهاست. شاغلانی که می توانستند، راحت در خانه می ماندند و می خوردند و می خوابیدند و فیلم می دیدند و کیف می کردند. آن هایی هم که نمی توانستند، یا یواشکی سر کار می رفتند، یا از جیب می خوردند. قرنطینه در هر جای دنیا یک جور بود. بعضی کشورها خیلی سخت می گرفتند، مانند همان چینی که آتش کرونا را از آنجا بیرون آمده بود. برخی کشورها هم مثل وول قرنطینه می کردند و مثلا می گفتند فروشگاه های لوازم خانگی باید بسته باشند ولی سوپرمارکت ها نه! یا سفرهای بین شهری مشکلی ندارد ولی بین استانی خلاف است! یا مسافرت با اتوبوس ممنوع است ولی با هواپیما اوکی است! با این همه خبر می رسید که مسافران یک کشتی تفریحی روی دریا، وسط اقیانوس هم مبتلا

ماسک های من در آور دی

اما ماسک... تا چند ماه اول که مشخص نشده بود ماسک می تواند جلوی انتشار کووید را بگیرد. بعد که مشخص شد، واویلا می شدند زود خیار و شیرینی بخورند و به خانه فرار کنند و با الکل دوش بگیرند! البته که اگر اقتصادی به این موضوع نگاه کنیم، بدهم نشد. خرج های زیادی از روی دوش تازه عروس و دامادها برداشته شد و زوج هایی که در آن روزها به خانه بخت رفتند، یک قدم خیلی بزرگ برای صرفه جویی و پس انداز پول شان برداشتند. حیف که دوباره این خرج های زاید در حال رشد هستند.



مراسم هایی که بیچانده شدند

شاید یکی از مهم ترین تأثیراتی که کرونا بر رفتار و زندگی ما گذاشت، جمع و جور شدن و حتی برچیده شدن دوره می ها و مجالس بود. روزهایی که تالارها و باغ ها برای برگزاری مراسم عروسی تعطیل بودند، در مساجد مجلس ختمی بر گزار نمی شد و حتی مهمانی های خانوادگی هم یا محدود و محدود بود یا اصلا خبری از شان نبود. روزهایی که خانواده های عزادار باید به تنهایی بار غم عزیزان دست گرفته شان را به دوش می کشیدند. حتی بستگان درجه یک و نزدیک ترین افراد به در گذشتگان هم نمی توانستند یا نمی خواستند که دور هم جمع شوند، یا از آن بالاتر، به پیکر عزیزشان نزدیک شوند. از سوی دیگر روزهایی را پشت سر گذاشتیم که مجالس جشن و شادی

حداقل ۳ ثانیه

به جز کنار گذاشته شدن اجباری بعضی آداب و رسوم و خرج و مخارج اضافی، یکی دیگر از مزایای کرونا، این بود که فهمیدیم باید دست هایمان را حداقل ۳۰ ثانیه با صابون بشویم. اگر یادتان باشد آن زمان کلیپ هایی منتشر می شد که کارشناسان روش صحیح دست شستن را آموزش می دادند. در یکی از این کلیپ ها، خانم رستاری دستکشی به دست کرده بود و دست هایش را با جوهر می شست تا ببینیم همه جای دست ها جوهر می شود.

بشور و بساب

حالا شستن دست و صورت به کنار، در آن دوران عادت و سواس گونه پیدا کرده بودیم برای شستن هر چیزی. از بسته های خریدی که انجام داده بودیم و به خانه می آوریم گرفته تا پاکت نان و چیپس و حتی پول. کلیپ هایی منتشر می شد که مردم اسکناس و چک پول های شان را درون قابلمه می ریختند و می جوشانند و بعد در آفتاب خشک می کردند. آن هایی که دل شان به این مرحله راضی نمی شد، بعد از آن دوباره اسکناس ها را اتومی کشیدند! چه پول هایی که این گونه از بین رفتند، طفلکی خودشان و صاحبان شان!

نان کرونایی

در زمان کرونایان خریدن تبدیل به یکی از سخت ترین کارها برای عده زیادی شده بود. گفته می شد ویروس با حرارت از بین می رود. اصلا همان روزهای اول برخی متخصصان خوش خیال می گفتند با آمدن تابستان و فصل گرما، کووید ریشه کن خواهد شد، که نشد. برای همین عده ای می گفتند نانی که از

تردد یواشکی زیر پوست شهر

بگیرید که البته استرس توقیف خودرو توسط پلیس در این وضعیت بسیار زیاد بود تا کشف مسیرهایی که دور بین نداشت. همچنین رفتن از یک محله به محله دیگر از کوچه ها بدون تردد در خیابان های اصلی، جزو تفریحات پرخطر به حساب می آمد که جان فردو دوستانه و شب نشینی ها بود چرا که یکی از بسترهای شیوع این ویروس، همین جمع ها بود. اما بعضی ها بدون توجه به پروتکل های بهداشتی، در این زمان ها از هر راهکاری برای تردد در شهر و حضور در دورهمی ها استفاده می کردند. از پوشاندن پلاک برای تردد

چندین بار در زمان های پیک شیوع کرونا، تصمیم به منع تردد در شهرها از ساعت ۲۱ یا ۲۲ تا صبح روز بعد توسط مسئولان وزارت بهداشت گرفته شد. نیروی انتظامی هم مسئولیت نظارت بر اجرای این بخشنامه را داشت. دلیل آن هم کاهش دورهمی های دوستانه و شب نشینی ها بود چرا که یکی از بسترهای شیوع این ویروس، همین جمع ها بود. اما بعضی ها بدون توجه به پروتکل های بهداشتی، در این زمان ها از هر راهکاری برای تردد در شهر و حضور در دورهمی ها استفاده می کردند. از پوشاندن پلاک برای تردد

تست یا شکنجه قرون وسطی؟

بود. یعنی طوری این تست را انجام می دادند که صد رحمت به شکنجه! یک چوب نمونه برداری را تا اعماق بینی فرو می کردند که صدای خوردنش به جمجمه مان شنیده می شد و تا ساعت ها بعد، اشکی بود که از چشمان مان روان بود. خدا قسمت نکند، حاضر بودیم به خاطر کرونا بستری شویم و وزیر دستگاه اکسیژن برویم، ولی تست ندهیم!

شایعات داغ درباره واکسن ها

راه افتاد. مثلا گفته می شد نرخ های متعددی از ۵ میلیون تومان برای واکسن آسترانکا تا ۶۰ میلیون برای واکسن فایزر گزارش شده است. بعد که واکسن به تعداد کافی در اختیار مردم قرار گرفت، بازار شایعات درباره عوارض کوتاه و بلند مدت آن شکل گرفت به حدی که ادعاهایی مانند وجود چیپ ردیاب در واکسن ها در فضای مجازی پربازدید شد. این ماجرا ها درباره دوز دوم و سوم کرونا هم ادامه داشت. این وسط یک عده هم کلا با زدن واکسن مخالف بودند و راضی کردن آن ها هم تبدیل به یک چالش شده بود.

تقریبا ۲ سال بعد از دنیاگیری ویروس کووید ۱۹، سازمان جهانی بهداشت اعلام کرد که نسخه اولیه واکسن کرونا به زودی راهی بازار خواهد شد. سال ۲۰۲۱ بود که امیدها برای جلوگیری از ابتلا به این ویروس زنده شد و واکسن های آسترانکا، اسپوتنیک، سینوفارم، برکت و... مورد تأیید قرار گرفتند. در قدم اول با کمیاب بودن این واکسن ها مواجه شدیم و حتی بازار سیاه خرید و فروش آن ها



بغل از توی کاور

از حق نذریم ولی یکی از جنایات های کرونا این بود که مردم را از هم دور کرد. در آن روزها طوری از هم فرار می کردیم که انگار در یک شهر متروکه گیر افتاده ایم و زامبی ها از هر طرف به ما نزدیک می شوند. چه والدین پیری که تنها در خانه یا حتی در آسایشگاه های سالمندان ماندند، چه افرادی که داغ در آغوش گرفتن عزیزان شان به دل شان ماند و چه افسردگی هایی که ناشی از این دور شدن ها بر اعصاب و روان ما اثر گذاشت. شب های قدری که درهای حرم ها را بستند، سیزده بدرهایی که دور پارک ها طناب کشیدند، سفرهایی که ممنوع شد، مدرسه هایی که آنلاین شد و دانش آموزان را با تحصیلاتی بی کیفیت بار آورد، خریدهایی که به خاطر سرفه کردن یک خریدار در فروشگاه نصفه ماند... اما باز هم مردم کم نیامورند و یارای یافتند و یارای ساختند! نمونه اش هم بغل کردن از توی پلاستیک بود که مد شده بود. پلاستیک هایی که جای دست داشتند و بیشتر برای در آغوش کشیدن سالمندان استفاده می شدند.